با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

پیگیری بازنشستگی از سایت تامین‌اجتماعی به جایی نمی‌رسد

چند ماه پیش پدرم بازنشسته شد. از آنجایی که بناست کارهای اداری به شکل الکترونیکی پیگیری شود اطلاعات ایشان را برای اعلام بازنشستگی و دریافت حکم ثبت وارد سایت تامین اجتماعی کردیم اما هیچ خبری نشد. چند روز پیش پدرم برای پیگیری به‌صورت حضوری به سازمان تامین‌اجتماعی مراجعه کرد و ظرف ۲روز موفق به گرفتن حکم بازنشستگی و طی کردن کارهای اداری و افتتاح حساب شد. به‌نظر می‌رسد اگر این کار را نکرده بود کماکان چندماه دیگر هم از دریافت حقوق و بیمه محروم می‌شد. سؤال من این است که چرا مسئولان مردم را تشویق به استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و غیرحضوری می‌کنند درحالی‌که این سامانه‌ها کارایی لازم را ندارند؟ اگر بنا به مراجعه و پیگیری حضوری است چرا باید در سامانه ثبت‌نام کرد؟

مرادی از تهران

استاندارد کالاهای وطنی و خارجی باید یکسان باشد

امیدواریم طبق دستور رئیس‌جمهوری از این به بعد سطح استانداردهای تعیین شده برای محصولات ایرانی مطابق با کالاهای خارجی باشد. هم‌اکنون قیمت اجناس و کالاهای داخلی دست‌کمی از مشابه خارجی‌شان ندارند؛ پس بهتر است که استانداردشان هم در همان حد باشد.

بلیغیان از اصفهان

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

شهرهای جدید در منطقه مکران جدید بسازند

با توجه به برنامه چشم‌انداز توسعه کشور و ساماندهی جمعیت کشور در مناطق جنوبی به‌نظر می‌رسد مسئولان باید زودتر به فکر ساخت و توسعه شهرهای جدید در منطقه مکران سیستان‌وبلوچستان باشند. مزیت‌هایی مانند قرار گرفتن در کنار دریا می‌تواند عامل توسعه بیشتر این شهرها و نیز ساخت صنایع آب‌بر در منطقه باشد که عامل توسعه شهر و اشتغال ساکنان آن خواهد بود. درخواست ما این است که شهرهای جدید در منطقه مکران همانند کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به بهترین وجه ساخته شوند که مردم تمایل به زندگی کردن در آن شهرها را داشته باشند.

کریمایی از چابهار

هزینه‌های تحمیلی مخابرات در این شرایط منصفانه نیست

به‌تازگی پیامکی از مخابرات دریافت کردیم که طبق آن از تاریخ اول شهریورماه مبلغ ۱۵هزار تومان به‌عنوان هزینه ثابت تلفن محاسبه شده است. در همان پیامک اعلام شد که می‌توانیم معادل ۳۳۳۳دقیقه مکالمه رایگان با تلفن ثابت داشته باشیم. آیا این کار مخابرات مصداق فروش اجباری نیست؟ اگر کسی نخواهد مکالمه چه رایگان و چه غیررایگان داشته باشد باید چه کند! این تصمیم قطعا بی‌احترامی و اجحاف در حق مشترکان تلفن ثابت است.

حبیب از مشهد

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

وام زائران اربعین هنوز پرداخت نشده است

با مشقت و قرض، هزینه سفر به کربلا را جهت زیارت حرم مطهر سیدالشهدا(ع) جور کردیم به این امید که طبق وعده مسئولان وام دریافت کنیم و مبلغ قرض گرفته شده را به صاحبانش برگردانیم. متأسفانه هر بار که مراجعه می‌کنیم می‌گویند اعتبارشان تمام شده و هنوز هم تمدید اعتبار صورت نگرفته است. این رفتار در شأن مسئولان عاشق سیدالشهدا و زائران کم‌بضاعت آن حضرت نیست. چرا وعده‌ای می‌دهند که نمی‌توانند به آن عمل کنند؟

زارع از خمین

روشنایی جاده بهار در منطقه چیتگر کافی نیست

در جاده بهار واقع در کمربندی چیتگر محدوده رضی‌آباد بالا به‌علت دوطرفه بودن و نبود روشنایی کافی به‌طور مرتب تصادف رخ می‌دهد. وقت آن است که مسئولان برق منطقه، فکری به حال این وضعیت بکنند. نصب چند چراغ روشنایی کار پیچیده و سختی نیست در عوض جان و مال عده زیادی محفوظ می‌ماند.

شریفی از تهران

رستوران‌های بین‌راهی بابت سرویس بهداشتی هزینه اضافی می‌گیرند

برخی رستوران‌های بین‌راهی برای استفاده مشتریان‌شان از سرویس‌های بهداشتی هزینه جداگانه‌ای دریافت می‌کنند! این کار بی‌احترامی به مشتری و در واقع گرفتن پول زور است. مسافری که می‌خواهد در یک رستوران غذا بخورد کجا باید دست‌هایش را بشوید؟ مگر هزینه‌ای که دریافت می‌کنند شامل تمام خدمات‌شان نمی‌شود؟ آیا اصلا این کار قانونی است؟

سیادتی از کرج

شرط استخدام مرد جوان، سرقت ۱۰۰گوشی در ۳روز بود

عکس‌های سلفی، راز سارق را فاش کرد

دادسرا

جوانی که در ظرف ۳روز، ۱۰۰گوشی موبایل سرقت کرده، مدعی است که شرط استخدام او به‌عنوان بادیگارد سرقت ۱۰۰گوشی در ۳روز بود و به همین دلیل دست به سرقت زده است.

به گزارش همشهری، از چند روز قبل مأموران پلیس پایتخت در جریان گوشی‌قاپی‌های سریالی موتورسواری قرار گرفتند که هنگام سرقت‌ها کلاه به سر و ماسک به‌صورت داشت. اظهارات مالباخته‌ها نشان می‌داد که همه آنها یا در حال صحبت با گوشی‌شان بودند یا سرگرم بازی که ناگهان سارق موتورسوار به آنها حمله کرده و گوشی‌شان را قاپیده و فرار کرده بود. از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌داد که سرقت‌های این مرد ظرف مدت ۳روز رخ داده و پس از آن وی دیگر سرقتی مرتکب نشده است.

راز عکس‌های سارق

درحالی‌که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دزد گوشی‌قاپ ادامه داشت، چند روز قبل مأموران پلیس به مردی که سوار بر موتوری با پلاک مخدوش بود مشکوک شدند. مأموران به او دستور ایست دادند اما وی سعی داشت فرار کند که در جریان تعقیب و گریز خیابانی دستگیر شد. مرد جوان اصرار داشت که بی‌گناه است و چون مدارک همراهش نبوده و قصد داشته به دیدن مادرش در بیمارستان برود، از دست مأموران فرار کرده است. با این حال وی برای تحقیق به اداره پلیس انتقال یافت و وقتی مأموران گوشی تلفن همراه او را بررسی کردند، متوجه حدود صد عکس سلفی عجیب شدند که مرد جوان درحالی‌که سوار بر موتور بوده و مدل‌های مختلف گوشی به‌دست داشته، از خودش عکس گرفته است.

گوشی‌هایی که او در هر عکس به‌دست داشت، با عکس دیگر متفاوت بود و احتمال می‌رفت همه آنها مسروقه باشند. در این شرایط بازجویی از متهم آغاز شد و او به ۱۰۰فقره گوشی قاپی اقرار کرد. متهم گفت که ظرف ۳روز تعداد زیادی گوشی سرقت کرده و پس از سرقت هر گوشی، با آن عکس سلفی می‌گرفته است. با اعترافات جوان سارق، برای او قرار قانونی صادر شد و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

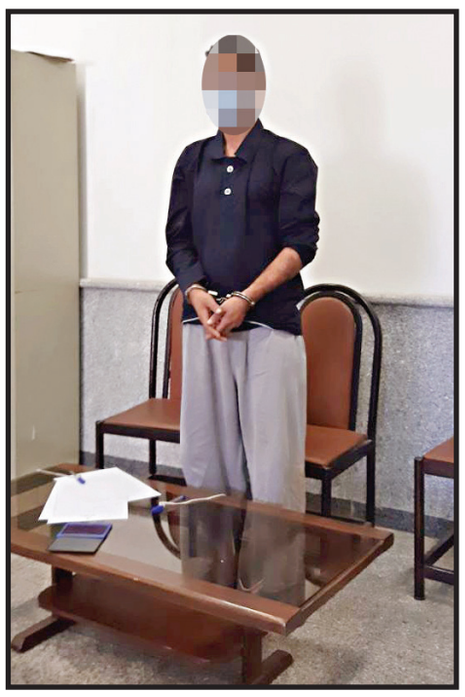

گفت‌وگو

شرط عجیب برای استخدام

متهم مردی ۳۷ساله است و می‌گوید هیچ سابقه کیفری ندارد و تا به حال پایش به اداره پلیس و دادسرا باز نشده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

تو که سابقه کیفری ندارد، چه شد رفتی سراغ سرقت؟

نمی‌دانید چقدر پشیمانم که چنین حماقتی کردم. من آدم آبروداری هستم. در یک شرکت کار می‌کردم و شرایط زندگی‌ام بد نبود. یک موتور زیر پایم بود و در یک آپارتمان اجاره‌ای زندگی می‌کردم. به همین وضعیت راضی بودم اما یکباره ورق برگشت و توفان وارد زندگی‌ام شد؛ شرکت ورشکست و تعطیل شد. من که بیکار شده بودم در جست‌وجوی کار مناسب بودم تا اجاره خانه‌ام را بدهم. گاهی با موتور کار می‌کردم تا اینکه یک شب با دوستانم پا در یک پاتوق گذاشتم که به آن می‌گفتند کلوپ شبانه. در آنجا افرادی که اکثرا پولدار بودند دورهم جمع می‌شدند و قماربازی می‌کردند. گاهی می‌دیدم که بر سر زمین، آپارتمان یا ماشین شرط‌بندی می‌کنند، گاهی هم مبالغ سنگین و میلیاردی. وضعیت آنها را که می‌دیدم حسرت می‌خوردم. در آنجا افراد قوی هیکلی را می‌دیدم که بادیگارد قماربازان حرفه‌ای بودند. چون گاهی در کلوپ دعوا می‌شد و ممکن بود جان قماربازها در خطر باشد. به همین دلیل بادیگارد استخدام کرده بودند. از مدیر پرسیدم که درآمد بادیگاردها چقدر است و وقتی رقم را شنیدم وسوسه شدم تا این کار را انتخاب کنم. فقط و فقط به‌خاطر درآمدش.

پس چرا به جای بایگارد، سارق شدی؟

برای اینکه بادیگارد شوم، شرط اول این بود که هیکل ورزشکاری داشته باشم و خب من از سال‌ها قبل ورزش بدنسازی کار می‌کردم. اما شرط دوم کمی عجیب بود؛ صاحب پاتوق از من خواست که در ۳روز، ۱۰۰گوشی سرقت کنم تا پس از اثبات توانایی‌ام، مرا با حقوق بالا استخدام کند. همین شد که راه دزدی را انتخاب کردم.

برای کسی که تا به حال دست به خلاف نزده، سرقت ۱۰۰گوشی در ۳روز سخت نبود؟

سخت که بود اما چاره‌ای نداشتم. می‌خواستم هرطور شده خودی نشان بدهم و برای اینکه کم نیاورم از پسش برآمدم و در ۳روز حدود ۱۰۰گوشی سرقت کردم.

با چه شگردی؟

از صبح خیلی خیلی زود تا پاسی از شب به‌دنبال سوژه می‌گشتم؛ افرادی که در حال صحبت با موبایلشان بودند یا سرگرم بازی یا جست‌وجو در گوشی‌هایشان را شناسایی می‌کردم. برایم مدل گوشی مهم نبود. سپس به سمتشان می‌رفتم و در فرصتی مناسب گوشی‌هایشان را می‌قاپیدم و فرار می‌کردم.

چرا با گوشی‌ها سلفی می‌گرفتی؟

ثبت این عکس‌ها کار دستم داد و گرفتارم کرد! برای اینکه ثابت کنم دست به سرقت زده‌ام، بعد از هر دزدی با گوشی مسروقه عکس سلفی می‌گرفتم و برای مدیر کلوپ می‌فرستادم. اما فکرش را نمی‌کردم که همین عکس‌ها کار دستم بدهد.

با گوشی‌های سرقتی چه کردی؟

همه گوشی‌ها در خانه‌ام است و قرار بود به‌زودی تحویل مدیر کلوپ بدهم. هدف من از این سرقت‌ها پول نبود، به‌دست آوردن کاری بود که برایش لحظه‌شماری می‌کردم اما تلاشم نافرجام باقی ماند و گرفتار شدم.

دومین جلسه محاکمه عاملان شهادت شهید عجمیان در کرج برگزار شد

ناگفته‌های صحنه شهادت جوان بسیجی

پیگیری

دومین جلسه رسیدگی به اتهامات ۱۵نفر از متهمان شهادت بسیجی شهید سیدروح‌الله عجمیان در دادگاه انقلاب اسلامی البرز برگزار شد و تعدادی از متهمان برای نخستین مرتبه ناگفته‌هایی از صحنه شهادت جوان بسیجی را بازگو کردند.

به‌گزارش همشهری، به‌نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، محاکمه این ۱۵متهم که از روز چهارشنبه هفته گذشته آغاز شده بود روز پنجشنبه نیز در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی البرز به ریاست قاضی سیدموسی آصف‌الحسینی و با حضور مستشاران برگزار شد.

از لحاظ پزشکی اهمال کردم

در ابتدای این جلسه نماینده دادستان به قرائت کیفرخواست صادر شده درباره متهمی که پزشک است و همراه همسرش در صحنه حادثه حضور داشته پرداخت و اتهام او را افساد فی‌الارض اعلام کرد. او گفت: طبق مستندات جمع‌آوری شده و فیلم زمان ضرب و جرح شهید عجمیان، روی انگشت اشاره دست چپ این متهم آثار زخم و خونریزی مشهود است. زمانی که یکی از متهمان از پشت با کارد به شهید ضربه می‌زند، در دومین ضربه، دست این متهم هم که همانجا حضور داشته زخمی می‌شود. همسر متهم که در محل حاضر بوده و از متهمان پرونده است در اظهارات خود گفته متهم یک لگد به بسیجی شهید زده است.

در ادامه متهم به دفاع از خودش پرداخت و گفت: من و همسرم برای حضور سر مزار یکی از آشنایان به بهشت سکینه(س) رفته بودیم و قصد داشتیم اگر برای خانم نجفی هم مراسمی بود حضور پیدا کنیم. در اتوبان دنبال راه برگشت بودیم که صحنه ضرب و جرح شهید عجمیان پیش آمد. در آنجا متوجه زخمی شدن دستم نشدم اما همسرم گفت دست یک آقایی چاقو بود. زمانی که ما رسیدیم شهید روی ماشین بود و به وی ضربه می‌زدند که بعد پایین افتاد. ضاربان ۳ تا ۴جوان بودند و من تنها سنگ دست یک نفر دیدم. درآمد ماهانه من بین ۵۰ تا ۱۰۰میلیون است و هدفی از حضور در آنجا نداشتم، اشتباه کردم. من به اشتباه این رفتارها را انجام دادم. در این هنگام نماینده دادستان گفت: شما به‌عنوان یک پزشک در صحنه جرم حضور داشتید اما به شهید عجمیان که روی زمین افتاده بی‌اعتنا هستید و به او لگد زدید که متهم جواب داد: من قبول دارم از لحاظ پزشکی اهمال کردم اما عمل مجرمانه‌ای که منجر به فوت شهید عجمیان انجام شده باشد انجام نداده‌ام. من این اتهامات را نمی‌پذیرم. من و همسرم به‌طور ناخواسته در این اجتماع وارد شدیم.

تشکیل زنجیره انسانی را قبول دارم

در ادامه این جلسه نوبت به یکی دیگر از متهمان رسید. ابتدا نماینده دادستان ضمن بیان اتهامات او گفت: او ضمن هماهنگی با ۳ متهم از شهریار به کرج رفته‌اند و اقدام به انسداد مسیر و پرتاب سنگ به مأموران کرده‌اند. آنها در صحنه شهادت عجمیان حضور داشته و دیده‌اند که چند نفر به پیکر این شهید سنگ زده‌اند اما خودش این اقدام را انجام نداده است. با این حال اتهامات او افساد فی‌الارض و اقدام علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام است.

در ادامه متهم به دفاع از خود پرداخت و گفت: من به‌عنوان نخستین نفر این بسیجی را در محل دیدم و سنگ هم در دستم بود ولی به طرف او پرتاب نکردم. تشکیل زنجیره انسانی را قبول دارم اما قصدمان مسدود کردن اتوبان نبود و اشتباه کردیم. من سنگی پرت نکردم و آن را روی زمین انداختم و نمی‌خواستم به کسی بخورد.

توبه می‌کنم

سومین متهمی که برای دفاع از خودش در جایگاه ایستاد همسر پزشکی بود که به اتفاق در محل حادثه حضور داشتند. او در دفاعیاتش گفت: من فساد فی‌الارضی انجام نداده‌ام و به شهید عجمیان دست نزده‌ام. فقط در اثر هیجانات القائی از شبکه‌های معاند به بهشت سکینه(س) رفتم اما شلوغ شد و در جاده متوقف شدیم و دیدیم که چند نفر به شهید ضربه می‌زنند. من فعالیت زیادی در فضای مجازی ندارم فقط برای همسایه یک پیامک دادم که در مراسم چهلم شرکت کنند. آن روز همسرم رفت که عینکش را از کنار شهید بردارد. من قبلا اشتباه گفتم که او لگد زده و پشیمانم. من آسیبی به شهید عجمیان نزدم و هیچ دخالتی در برهم زدن امنیت نداشتم، تقاضای عفو و بخشش دارم. ما هیچ آسیبی به کسی نرسانده‌ایم. در بستن اتوبان نیز هیچ دخالتی نداشتم. اشتباه کردم تحت‌تأثیر قرار گرفتم، توبه می‌کنم. متهم گفت: در شهادت این بسیجی هیچ مشارکتی نداشتم. پشیمانم و امیدوارم که مورد عفو قرار بگیرم و با بخشش و شفقت با من رفتار شود. من هیچ عنادی با نظام و کسی ندارم. با پایان دفاعیات این متهم و وکیل مدافعش، رئیس دادگاه ختم جلسه را اعلام کرد و قرار است رسیدگی به این پرونده در روزهای آینده به‌صورت متوالی ادامه یابد.

۴کشته در درگیری خانوادگی

درگیری خانوادگی در شهرستان خوی جان ۴نفر را گرفت که یکی از قربانیان عامل قتل ۳نفر دیگر بود.

به گزارش همشهری، این حادثه چهارشنبه هفته گذشته رخ داد و در جریان آن مردی پس از اینکه خواهر و خواهرزاده‌اش و همسایه آنها را به خاطر اختلاف بر سر ارثیه به قتل رساند، باشلیک گلوله به زندگی خودش پایان داد. سرهنگ صادق شکری، رئیس پلیس آگاهی آذربایجان غربی با بیان این خبر گفت: به‌دنبال وقوع یک درگیری مسلحانه در یکی از محله‌های شهرستان خوی، تیمی از مأموران راهی محل حادثه شدند. وی افزود: با حضور کارآگاهان و بررسی صحنه قتل، مشخص شد که مردی درحالی‌که سلاح گرم همراه خود داشته با خواهر، خواهرزاده‌اش درگیر شده و به سمت آنها شلیک کرده است. او همچنین مردی ۶۵ساله را که همسایه خواهرش بود و برای میانجیگری میان آنها وارد درگیری شده بود را هدف گلوله قرار داده و وی را نیز به قتل رسانده و درنهایت خودش نیز بر اثر شدت جراحاتی که دیده بود، کشته شد.

رئیس پلیس آگاهی انتظامی استان با بیان اینکه علت و انگیزه این قتل اختلافات خانوادگی بوده است، گفت: تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

جزئیات ۲ جنایت توسط قاتل طلافروش همدانی

آغاز بازجویی‌ها از عامل قتل طلافروش همدانی که در هرمزگان نیز مرتکب قتل دیگری شده ناگفته‌های جنایت‌های او را برملا کرد.

به گزارش همشهری، صبح روز سه‌شنبه اول آذرماه امسال به دنبال قتل صاحب یک طلافروشی در بازار مظفریه همدان تحقیقات برای شناسایی قاتل آغاز شد. ماموران پلیس با انجام تحقیقات تخصصی دریافتند که عامل جنایت از همدان به بندرعباس گریخته و در آنجا نیز مرد دیگری را با شلیک گلوله به قتل رسانده است. در این شرایط بود که متهم تحت بازجویی‌های تخصصی قرار گرفت تا جزئیات بیشتری از جنایت‌هایش برملا شود.

سردار رضا زارعی، جانشین فرمانده انتظامی استان همدان در این باره گفت: نخستین سرنخ از متهم از طریق دوربین‌های مدار بسته به دست آمد. او پیش از این راننده کامیون بود که به علت اعتیاد شدید و ناتوانی در انجام کار این حرفه را کنار گذاشت و از حدود یک ماه پیش سلاح گرم تهیه کرد و فکر سرقت از طلافروشی به سرش زد.

وی درباره روز حادثه گفت: ساعت ۸:۱۵ دقیقه صبح روز حادثه مقتول کرکره مغازه را نیمه باز کرده و در حال بستن آن بود که قاتل وارد طلافروشی شد. در این لحظه صاحب طلافروشی با پرتاب کردن قفل به سمت سارق، دست و صورت او را زخمی کرد اما سارق ۲تیر به سوی صاحب طلافروشی شلیک کرد و سپس زیورآلات، سکه و طلاهای تعمیری که در ویترین بود را سرقت کرد.

جانشین فرمانده انتظامی استان همدان درباره فرار متهم گفت: او به سمت هرمزگان متواری شد و در حاجی‌آباد برای خرید مواد مخدر با یک زن آشنا شد. سپس با او برای مصرف مواد مخدر به باغی که همسرش در آن نگهبانی می‌داد رفت. در آنجا مرد نگهبان با دیدن طلاها وسوسه شد و از متهم خواست طلاها را به او بدهد که بر سر این موضوع باهم درگیر شده و نگهبان باغ وی را تهدید و با چاقو به او حمله کرد که در این لحظه او با شلیک ۲گلوله او را نیز به قتل رساند. او پس از دومین قتل با فرد دیگری در منطقه ششصددستگاه حاجی‌آباد آشنا شد و به خانه‌اش رفت که در نهایت آنجا دستگیر شد.

بر اساس این گزارش متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

یادبود

هوالباقی

یکسال از غروب ناباورانه عزیزمان گذشت. این یکسال را با یادش چه تلخ و مبهوت به پایان بردیم. بدین مناسبت مراسم یادبودی به نام شادروان

مهندس **داریوش رحیمی اسفرجانی**

روز یکشنبه ۱۴۰۱/۹/۱۳ ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجدالرضا(ع)-خیابان سهروردی-خیابان خرمشهر-خیابان عشقیار-میدان نیلوفر منعقد می‌باشد. متمنی است با تشریف فرمایی خویش موجبات شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان شوید.

همسر: حاجیه خانم فاطمه قلی پور مقدم

فرزندان: مهندس امیرعلی و دکتر امیرحسین رحیمی

کوتاه از حادثه

مسمومیت دانشجویان با چلوگوشت

تعدادی از دانشجویان خوابگاه دانشگاه خوارزمی واحد کرج پس از خوردن چلوگوشت، دچار مسمومیت و با علائمی مثل: بدن‌درد، دل‌درد، حالت تهوع و... به مرکز درمانی منتقل شدند.

به گزارش همشهری، چهارشنبه شب گذشته تعدادی از دانشجویان دانشگاه خوارزمی واحد کرج پس از مصرف چلو گوشت به‌عنوان وعده غذایی شام دچار علائمی چون حالت تهوع، دل‌درد، بدن درد و لرز شدند. محمود گنج‌بخش، معاون دانشجویی دانشگاه خوارزمی کرج در این‌باره به مهر گفت: حدود ۵ درصد از آنهایی که غذای دانشگاه را صرف کرده‌اند، دچار مشکل شده‌اند و دانشگاه بیش از ۲ هزار دانشجوی خوابگاهی دارد. او ادامه داد: تعداد افرادی که حال مساعدی ندارند نسبت به همه آنهایی که غذای دانشگاه را خورده‌اند کم است. در همین حال، روابط‌عمومی دانشگاه خوارزمی کرج در واکنش به این حادثه اعلام کرد: دانشجویانی که با علائم بیماری به درمانگاه دانشگاه مراجعه کرده بودند با بررسی‌های پزشک کشیک مراحل درمانی خود را طی کردند و داروهای ملزوم توسط دانشگاه برای آنها تهیه شد. همچنین اتوماسیون غذای دانشجویی نشان می‌دهد تعدادی از مراجعه‌کنندگان به درمانگاه از غذای دانشگاه استفاده نکرده بودند.

۳قربانی در ۲حادثه مرگبار پایتخت

در ۲حادثه جداگانه در پایتخت ۲مرد و یک زن جانشان را از دست دادند که با کشف اسرار یکی از پرونده‌ها، تحقیقات برای رازگشایی از پرونده دوم ادامه دارد.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه در پارک مسگرآباد اتفاق افتاد و گزارش آن به قاضی محمدجوادشفیعی، بازپس جنایی تهران اعلام شد. ماجرا از این قرار بود که مردی در درگیری با ضربات چاقو زخمی شده و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده بود. در ادامه بررسی‌ها، هویت عامل جنایت که کسی جز دوست مقتول نبود، به‌دست آمد و او در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. متهم در تحقیقات گفت: شب حادثه مواد مصرف کرده بودم و تحت‌تأثیر توهمات مواد بودم. آن شب برای هواخوری به پارک رفتم که با مقتول چشم در چشم شدم و دعوایمان شد. بعد هم با چاقویی که همراه داشتم چند ضربه به او زدم و متواری شدم. وی ادامه داد: مقتول دوستم بود و من با او مشکلی نداشتم. قصدم جنایت نبود و از اتفاقی که افتاده به‌شدت پشیمانم. متهم به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است. دومین حادثه، ساعت ۵صبح پنجشنبه دهم آذر ماه به بازپرس محمد وهابی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. ماجرا از این قرار بود که خودرویی حوالی وردیج به دره‌ای به عمق ۲۰متر سقوط کرده و ۲سرنشین آن که زن و مردی جوان بودند، جانشان را از دست داده‌اند. مأموران در ادامه جست‌وجوها پلاک ماشین را که بر اثر حادثه کنده شده و به چند متر آنطرف پرتاب شده بود کشف کردند که با استعلام شماره پلاک، هویت مالک آن به‌دست آمد. او یکی از قربانیان بود اما هنوز هویت دومین قربانی کشف نشده که به دستور بازپرس اجساد به پزشکی قانونی منتقل شده‌اند تا هویت دومین قربانی و علت این حادثه مرگبار فاش شود.

اعتراف مالخر به قتل سارق

«مدتی بود که از اموال مسروقه‌ای که از دزدان خریده بودم کم شده بود و من به مقتول شک کرده بودم، همین موجب شد تا در درگیری جانش را بگیرم.» این اعترافات مالخری است که وقتی مأموران برای دستگیری او راهی خانه‌اش شدند، از طبقه سوم به پایین پرید و چند روز در کما بود. به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از سی‌ام شهریور ماه با کشف جسدی کنار سطل زباله‌ای در تهران شروع شد. اگرچه هیچ‌گونه مدرک هویتی همراه مقتول نبود اما بررسی اثر انگشت او، هویت وی را فاش کرد؛ او مرد جوانی به نام سینا بود که یک‌بار به اتهام سرقت دستگیر و زندانی شده بود. در ادامه معلوم شد که سینا از چند روز پیش ناپدید شده و خانواده‌اش با حضور در اداره پلیس گم شدن پسرشان را گزارش کرده بودند. از سوی دیگر بررسی دوربین‌های مداربسته در اطراف محل کشف جسد نشان داد که مرد موتورسواری جسد سینا را در کنار سطل زباله انداخته و بعد فرار کرده است. در ادامه، تصویر موتور سوار به‌دست آمد و مشخص شد که وی یک مالخر است. همچنین معلوم شد که مقتول آخرین بار به خانه مرد مالخر رفته و در آنجا دیده شده بود. به این ترتیب فرضیه قتل از سوی مالخر قوت یافت و دستور بازداشت او صادر شد. ماموران راهی محل زندگی مرد مالخر که در خانه قدیمی ۳طبقه‌ای در جنوب تهران بود، شدند اما این مرد برای فرار از دستگیری، خودش را از طبقه سوم به پایین انداخت تا فرار کند اما به‌شدت مصدوم و راهی بیمارستان شد. همزمان مأموران وارد خانه وی شدند و در آنجا با مقدار زیادی اموال سرقتی مواجه شدند. از سوی دیگر آنها به بررسی گوشی موبایل مرد مالخر پرداختند و در بین پیامک‌هایی که بین این مرد و همسرش رد و بدل شده بود، به پیامکی برخورد کردند که زن جوان برای شوهرش نوشته بود. متن پیامک این بود: «سینا را هم مانند شایان کشتی؟» با به‌دست آمدن این پیامک نه‌تنها معلوم شد که مرد مالخر سینا را به قتل رسانده بلکه احتمالا در قتل فرد دیگری به‌نام شایان هم دست داشته است.

متهم از زمانی که به بیمارستان منتقل شد، در کما بود تا اینکه هفته گذشته به هوش آمد. وی در تحقیقات به قتل سینا (سارق سابقه‌دار) اقرار کرد اما منکر قتل دوم شد و گفت که خودش هم منظور همسرش را از این پیامک مرموز متوجه نشده است. مرد مالخر درباره قتل جوان سارق گفت: سال‌هاست که اعتیاد دارم و چند سال قبل تصمیم گرفتم که با خرید و فروش اموال مسروقه، امورات زندگی‌ام را بگذرانم. به همین دلیل خانه ۳طبقه‌ام همیشه پر بود از وسایل سرقتی. وی ادامه داد: در این مدت با سارقان زیادی کار می‌کردم و وسایل سرقتی را از آنها می‌خریدم. مقتول هم از سارقانی بود که با او کار می‌کردم اما مدتی بود که به او مشکوک شده بودم؛ چرا که مقداری از وسایل سرقتی کم شده بود و نمی‌دانم چرا به مقتول شک کرده بودم. روز حادثه وقتی به خانه‌ام آمد بر سر همین مسئله با او درگیر شدم. سینا اما منکر سرقت بود و وقتی درگیری بالا گرفت و او به من توهین کرد عصبانی شدم و با میلگرد چند ضربه به مقتول زدم. متهم گفت: جسدش چند روز در خانه بود و در نهایت آن را داخل گونی گذاشتم و به بیرون از خانه انتقال دادم و کنار سطل زباله رهایش کردم. تحقیقات از متهم به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران ادامه دارد.